المعجم: واژه‌نامه

اِبْتَعَدَ	دور شد «حَتّىٰ تَبْتَعِدَ: تا دور شود»	بَكتيريا	باکتری	سائِل	مایع
اِتِّجاه	جهت	بوم، بومَة	جغد	ضَوء	نور «جمع: أَضواء»
أَدارَ	چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُديرَ: که بچرخاند»	تَأَثَّرَ	تحت تأثیر قرار گرفت	ظَلام	تاریکی
أَنْ تَرىٰ	کـه ببینـد	تَحْتَوي	در بر دارد	عَوَّضَ	جبران کرد
اِسْتَفادَ	بهره بُرد «أَنْ يَسْتَفيدَ: که بهره ببرد»	تَحَرَّكَ	حرکت کرد	قِطّ	گربه
إضافَةً إلىٰ	افزون بر	تَنْشُرُ	پخش می‌کند	لَعِقَ	لیسید
أَعشاب طِبِّيَّة	گیاهان دارویی «مفرد: عُشْب طِبّيّ»	جُرْح	زخم	مُضيء	نورانی
أَفرَزَ	ترشّح کرد	حَرَّكَ	حرکت داد	مُطَهِّر	پاک‌کننده
اِلْتَأَمَ	بهبود یافت «حَتّىٰ يَلْتَئِمَ: تا بهبود یابد»	حَوَّلَ	تبدیل کرد	وِقايَة	پیشگیری
اِلتِقاطُ صُوَرٍ	عکس گرفتن	حِرْباء	آفتاب‌پرست	مَلَكَ	مالک شد، فرمانروایی کرد
اِمْتِلاك	مالکیّت، داشتن	دَلَّ	راهنمایی کرد	يَسْتَطيعُ	می‌تواند = يَقدِرُ
إنارَة	نورانی کردن	دونَ أَن	بی‌آنکه «دونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی‌آنکه حرکت بدهد»	يَسْتَعينُ بِـ	از ... یاری می‌جوید
بَـرّيّ	خشکی، زمینی «نَباتاتٌ بَرّيَّةٌ: گیاهان صحرایی»	ذَنَب	دُم «جمع: أَذناب»	يَنْبَعِثُ	فرستاده می‌شود
بَطّ، بَطَّة	اردک	زَيت	روغن «جمع: زُيوت»		

عیّن الجُمْلَةَ الصَّحيحَةَ وَ غَيرَ الصَّحيحَة حَسَبَ الْحَقيقَةِ وَ الْواقِعِ.

۱ـ لِلزَّرافَةِ صَوتٌ يُحَذِّرُ الْحَيَواناتِ حَتّىٰ تَبتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ. ✗

۲ـ تُحَوِّلُ الْأَسماكُ الْمُضيئَةُ ظَلامَ الْبَحرِ إلىٰ نَهارٍ مُضيءٍ. ✓

۳ـ تَستَطيعُ الْحِرباءُ أَنْ تُديرَ عَينَيها في اتِّجاهٍ واحِدٍ. ✗

٤ـ لِسانُ الْقِطِّ مَملوءٌ بِغُدَدٍ تُفرِزُ سائِلاً مُطَهِّراً. ✓

٥ـ لا تَعيشُ حَيَواناتٌ مائِيَّةٌ في أَعماقِ الْمُحيطِ. ✗

٦ـ يَتَحَرَّكُ رَأسُ الْبومَةِ في اتِّجاهٍ واحِدٍ. ✗